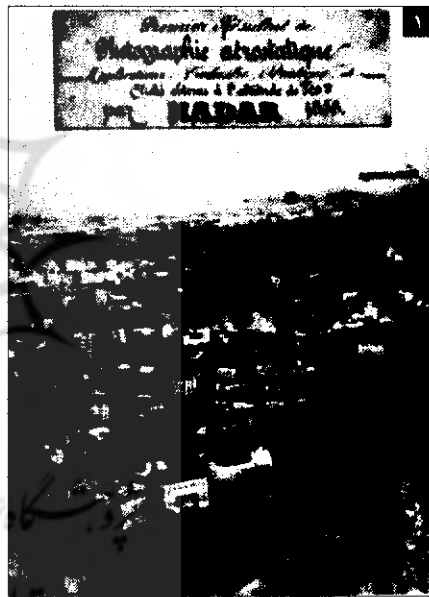


نادار: اعجوبه عکاسی قرن ۱۹

دکتر محمد ستاری / استادیار پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران



نادار (Nadar) نام مستعار گاسپار فلیکس تورناشون (Gaspard-Felix Tournachon) ۱۹۱۰-۱۸۲۰م/۱۳۲۸-۱۲۳۵ ه. ق عکاس، نقاش، رسام و نویسنده سوی متولد پاریس است. وی در شاخه‌های متنوع عکاسی پیشگام بود.^۱ برای بیش از ۲۰ سال موضوع‌های او هنرمندان، افراد مشهور و ثروتمندان شهر پاریس بودند. در ۱۸۵۴م/۱۲۶۸ ه. ق استودیوی عکاسی پرتره خود را در پاریس گشود که بسیار مورد توجه بود. در ۱۸۵۴م/۱۲۷۰ ه. ق تصاویر مشاهیر معاصر را تحت عنوان «پانتئون»^۲ انتشار داد. در سال ۱۸۵۸م/۱۲۷۵ ه. ق به نخستین عکاسی هوایی که به بله بالون انجام یافت تحقیق بخشید (تصویر ۱) و پیشنهاد کرد که از این گونه عکس‌ها به نقشه‌کشی، ترسیم عوارض جغرافیایی و حتی نقل و انتقال پستی استفاده شود. در ۱۸۶۳م/۱۲۷۹ ه. ق قمری بالون «غول» (Le Geant) به حجم ۶۰۰۰ متر مکعب ساخته.^۳ بالون دوطبقه بود و ظرفیت حمل ۴۹ نفر را داشت و به تاریخانه‌ای مجهز شده بود که برای فرآیند کلودیون تر مناسب می‌نمود. نادار جزو اولین افرادی بود که از پاپ الکتریکی برای پرتونگاری استفاده کرد.^۴

در سال‌های ۱۸۶۹م/۱۲۷۷ ه. ق از نور اشتعال متیزیم بهره برد تا اولین عکس باشد که از زیرزمین‌ها، سردابه‌ها و مجاری فاضلاب شهر پاریس عکس گیرد.^۵ (تصویر ۲) در ۱۸۶۱ برای عکس‌هایی که با نور مصنوعی گرفته بود برندهٔ جایزه اول شد.^۶ ولین صاحب به همراه عکس در ۱۸۸۶م/۱۳۰۲ ه. ق به ابتکار نادار در جشن صدگی شیمی‌دانی به نام «شورول» (تصویر ۳) تهیه شد.^۷ همیشه به دقت در مورد هنرها و هنرمندان پیگیر و سخت‌بندین

موضوعات مشغول بود. در ۱۸۷۴م/۱۲۹۱ قمری استودیویش را برای برپایی اولین نمایشگاه نقاشان امپرسیونیست اجاره داد. او مؤلف چندین کتاب بود.^۸ افزون بر این نادار دلبستهٔ موضوعات غیرعادی^۹ و در محاصرهٔ پاریس رهبر مردان هوایی فرانسه بود.^{۱۰} ارزش کار نادار در عکاسی، کمتر از ارزش کار نقاشان بزرگ در نقاشی نیست. دومیه^{۱۱} در ۱۸۶۵ کاریکاتوری از نادار کشید که سوار بر بالن بر فراز پاریس از منظرهٔ هوایی شهر عکس می‌گرفت و

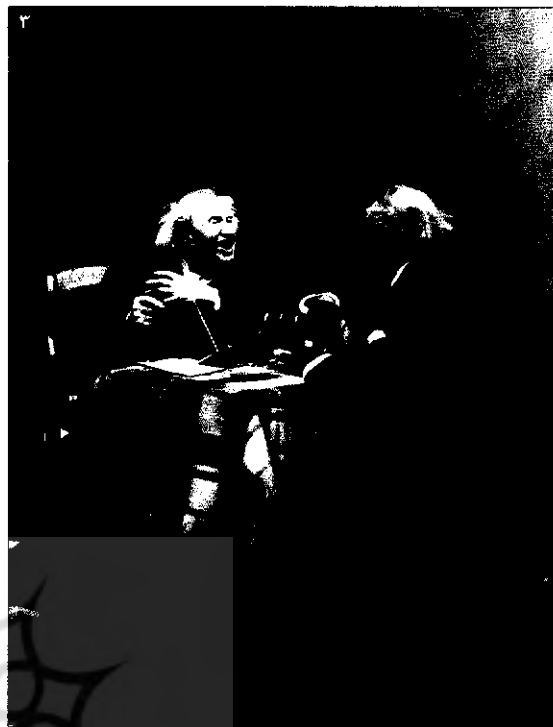
زیرش نوشت: «نادار در حال ارتقای عکاسی به سطح هنری» (تصویر ۴) و نادار چند عکس از دومیه گرفت (تصویر ۵) که ارزش آن‌ها از بسیاری لحاظ از آن کاریکاتور کمتر نیست.^{۱۳} نادار هنرمندی بود که اثر و نشان خود را بر عکاسی پرتره بر جای گذاشت. اوایل در رشته پزشکی تحصیل کرد، اما به سبب علاقه به کاریکاتور دانشگاه را رها کرد و به عنوان جوانی که طالب شهرت و جاه‌طلب بود، کاریکاتور چهره افراد برجسته پاریس را منتشر ساخت. برای ثبت صورت اشخاصی که می‌خواست آن‌ها را طراحی کند به عکاسی روی آورد و فریفته امکانات و توانایی‌های این رسانه جدید شد و در ۱۸۵۳ قلم را به نفع دوربین عکاسی کنار گذاشت تا استودیوی عکاسی خویش را بگشاید. افراد برجسته و مشهور فوج فوج به آلتیه‌اش رجوع می‌کردند: ویکتور هوگو (تصویر ۶) و الکساندر دوما نویسنده (تصویر ۷)، موسیقی‌دانانی چون روسینی، برلیوز، واگنر، لیست و غیره.^{۱۴}

برخی از این افراد به سبب شهرت و آوازه نادار به آلتیه‌اش می‌رفتند و بعضی فقط به این سبب که رفتن به آلتیه نادار مد شده بود. به هر حال عده کمی صاحب پرتره‌هایی می‌شدند که نادار بزرگ خودش آن‌ها را برداشته بود. پرتره افراد کمتر سرشناس تحت هدایت نادار، توسط دستیار او برداشته می‌شد و این امر باعث مایوس شدن آن‌ها می‌گردید. برخلاف سایر عکاسان پرتره آن دوران، نادار از به‌کارگیری تجهیزات دست و پاگیری چون طاق و سرستون‌های مصنوعی که در استودیوهای عکاسی متداول بود خودداری می‌ورزید. هم‌چنین از جلوه‌های نورپردازی پرتکلف و متظاهرانه‌ای که از هدایت نور خورشید در استودیو و ایجاد هاله دور سر پرتره‌ها ایجاد می‌شد خودداری می‌کرد. طبق آرمان‌های اروپای دوره ویکتوریا، سبک و شیوه نادار بسیار ساده بود و به سبب تسلط بر حقلش قادر بود مکنونات درونی سوزها را قبل از آن‌که مقابل دوربین بیایند، تشخیص دهد و آن‌ها را به گونه‌ای حالت دهد که هم راحت باشند و هم قیافه‌ای گیرا ارائه دهند.^{۱۵}

از خلال کارهای نادار است که مورخین به درونیات شخصیت‌های فرهنگی و هنری جمهوری دوم و سوم فرانسه دست یافته‌اند.

روزنامه‌نگاری فرانسوی در ۱۸۵۹ راجع به نادار نوشت: «تمامی انبوه هنرمندان، نویسندگان و سیاست‌پویان و در یک کلمه روشنفکران پاریس از استودیوی او گذر کرده‌اند. مجموعه تصاویری که او در پانتئون به نمایش می‌گذارد از نسل ما هستند.

مکاشفه‌های دومیه، حالت چهره گیزو^{۱۶} با دست پنهان شده در جلیقه و چهره سرد و جدی‌اش (تصویر ۸) چنان است که گویی انگار قبل از آن که خطاب به غرای خود را در دادگاه





آغاز کند، در سکوتی مبهم فرو رفته است؛ و لبخند کورو^{۱۷} (تصویر ۹) حکایت از آن دارد که گویی کسی از وی سؤال کرده که چرا منظره خود را تمام نکرده است. عکاس این عکس‌ها محق است که هنرمند نامیده شود.^{۱۸}

نادر دوران جوانی خود را در لیون و پاریس گذراند. در ۱۸۴۲/۱۲۵۸ ه. ق به عنوان یک جمهوری‌خواه به پاریس مهاجرت و در ۱۸۴۸/۱۲۶۴ ه. ق در انقلاب شرکت کرد. مجله بررسی کمدی (Comique La Revue) را در ۱۸۴۹/۱۲۶۶ ه. ق بنیان نهاد. در همین سال‌ها به عکاسی علاقه‌مند شد و به همراه برادرش استودیوی

عکاسی پرتره را در ۱۸۵۳/۱۲۶۹ ه. ق گشود. در ۱۸۸۶/۱۳۰۳ ه. ق عکاسی را کنار گذاشت. به سال ۱۸۹۱/۱۳۰۸ ه. ق مجله «عکس پاریس» را پایه گذاشت. نادر از فرآیند نگاتیو کلودیون‌تر و اغلب شیشه‌های ۱۸×۲۴ سانتی‌متر استفاده و عکس‌هایش را نیز روی کاغذهای آلبومینه چاپ می‌کرد. هرچند به عکاسی کارت ویزیت نیز پرداخت.^{۱۹} جیمز رویین اشاره دارد نادر از قطع شیشه‌های ۱۹×۲۵ سانتی‌متر نیز بهره برده است.^{۲۰}

بیتون و باکلند معتقدند نادر با کاریکاتورهای گزنده خویش در زبان فرانسه ملقب به *Tourne a dard* شده بود. کلمه *ard* به معنای نیش است. سپس او واژگان *Tourne a dard* را مخفف کرد تا به *Nadard* و سرانجام *Nadar* رسید و این لفظ را به عنوان نام مستعار خویش برگزید.^{۲۱}

پرتره نادر از ژرژ ساند^{۲۲} (تصویر ۱۰) با نورپردازی دقیق و توجه بسیار عکاس به حالت نشستن مدل و جزئیات، در زمره پرتره‌هایی است که نادر از ادیبان و چهره‌های برجسته هنری فرانسه در میانه قرن نوزدهم تهیه کرده است. مجموعه پرتره‌هایی که نادر آفرید بدیع نبودند، اما بایستی توجه داشت که آن‌ها با بهره‌گیری از رسانه‌ای جدید و عمدتاً با امکانات عکاسی آن دوره تولید شده بودند. نادر پیشرو استفاده از نورپردازی داخلی در استودیو بود (تصویر ۱۱) و حتی امروزه تصاویر پرتره او به گونه‌ای فصیح، شأن مدل‌های فریخته وی را منتقل می‌کند.^{۲۳}

برخی از صاحب‌نظران چون جنسن، بیتون و باکلند بر جنبه‌های رئالیستی و ژورنالیستی آثار نادر تأکید می‌کنند.^{۲۴} و برخی چون رویین معتقدند تمرکز نادر بر روی چهره و تحسین شخصیت افراد به صورت رماتیکی، شاخصه بسیار مهم سبک موفقیت‌آمیز وی بوده‌اند.^{۲۵}

در وهله اول، شیوه پرتره‌نگاری نادر، دنباله‌روی از روش داگرتوتیپست‌ها (Daguerreotype) بود. جایی که نور آفتاب در دسترس باشد، نورپردازی از کنار صورت انجام می‌شود. اما قطعاً پرتره‌های داگرتوتیپی نمی‌توانند چنان دقتی در جزئیات، توانایی پوست و آشکار کردن شخصیت سوژه را تا حد پرتره‌های نادر عیان کنند. این پرتره‌های مستقیم و قوی، شاهکار هستند.^{۲۶}

کارهای اولیه نادر بیش از آن‌که پرتره‌نگاری را آشکار کنند، ساخت پرتره‌های خیال‌پردازانه برای دوربین‌های استریو و کارت ویزیت‌ها را شامل می‌شوند. آلبوم‌های دوران نخستین فعالیت نادر پرسوناژهای عجیب و غریب را دربرمی‌گیرند. نادر هم‌چنین از عکاسی از رختشویان، رقاصه‌های اسپانیایی، بوکسورها، آکروبات‌بازها و عجیب‌الخلقه‌ها لذت می‌برد.^{۲۸}

استودیوی عکاسی نادر و برادرش آدرین در سن‌لازار، پاتوق مشاهیر جمهوری دوم و سوم شد و این همان مکانی بود که نقاشان امپرسیونیست اولین نمایشگاه خود را در آن برپا کردند. مانه^{۲۹} نوشت: «نادر، نادر بزرگ کسی که فی‌الواقع به مثابه پول و معاش بود این مکان را به ما داد.» انگر^{۳۰} اغلب مدل‌های خود را به استودیوی نادر فرستاد تا آن‌ها عکس تهیه شده، تا بتواند از عکس‌ها نقاش



و طراحی کند.^{۳۱}

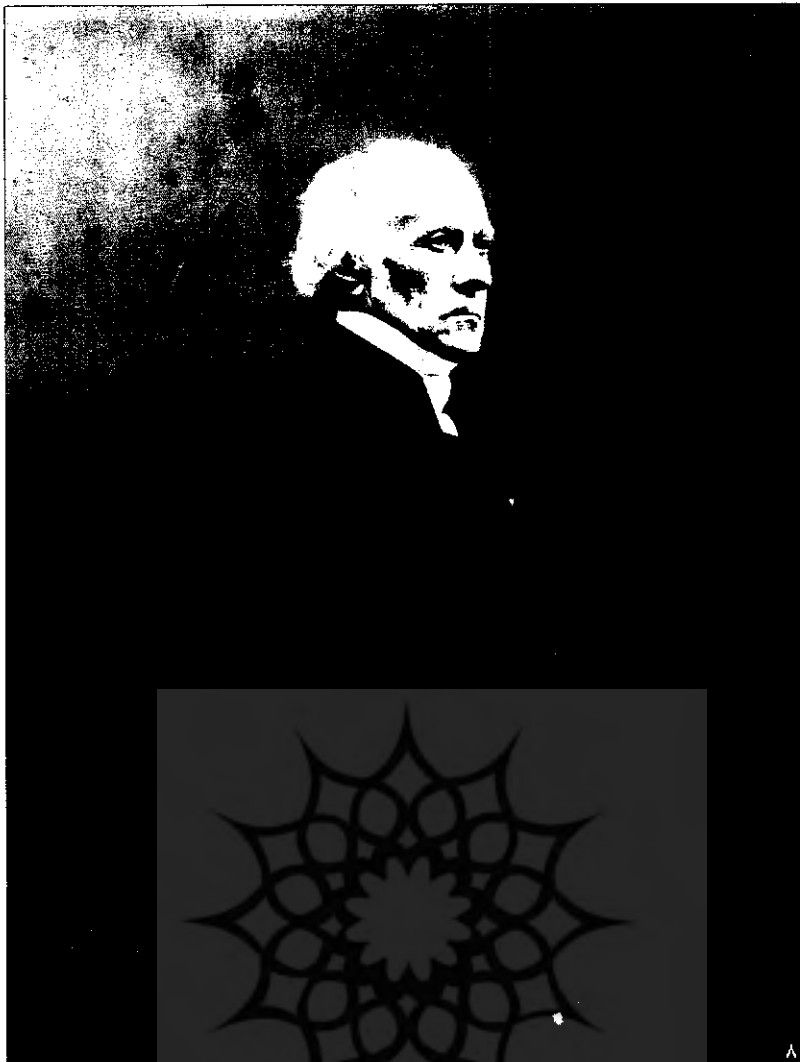
انگر شاید از جمله نخستین نقاشانی بود که از داگروتیپ برای نقاشی تک‌چهره استفاده کردند. در ۱۸۸۵م/ ۷۲-۱۲۷۱ ه. ق یکی از معاصران انگر رابطه کار او را با عکس‌های نادار عکاس بلندآوازه جهان مشخص کرد: «آقای انگر کسانی را که می‌خواهند عکس‌شان شباهت کاملی به خودشان داشته باشد، تنها نزد نادار جوان می‌فرستند. دقت عکس‌های نادار آن‌چنان فوق‌العاده است که آقای انگر بهترین آثار خود را با کمک عکس‌های نادار و بی‌آن‌که شخص مورد نظر را در برابر داشته باشد، کشیده است.»^{۳۲}

در ۱۸۵۸م/ ۷۵-۱۲۷۴ ه. ق نادار خود در یک کاریکاتور که در «سالن» به نمایش گذاشته شد به رابطه انگر با عکاسی اشاره می‌کند. مفهوم دقیق طراحی مزبور البته کاملاً روشن نیست ولی به هر حال، طرح مزبور، این عضو فرهنگستان را در تعقیب یک دوربین نشان می‌دهد که با سه‌پایه‌اش از او می‌گریزد.^{۳۳}

نادار در کار خود پی‌گیر و سخت‌کوش بود. او اول بار با استفاده از باتری‌های نینسن و بازتابه‌ها عکس‌های پرتره برداشت و سپس در سال ۱۸۶۱م/ ۷۸-۱۲۷۴ ه. ق. وسایل پیچیده خود را به سردابه‌های زیرزمینی پاریس (گورستان‌های قدیمی) برد. نوردهی برخی از

عکس‌ها حدود ۱۸ دقیقه طول می‌کشید؛ بنابراین لازم می‌شد به جای انسان از مانکن استفاده بکند. با وجود نبود امکان حمل منابع نوری، بازتابه‌ها، سیم، دوربین و تجهیزات مختصر عکاسی به شیوه کلودیون‌تر در راهروهای باریک و نمور، نادار حدود ۱۰۰ عکس از مناظر زیرزمینی گرفت؛ چشم‌اندازهایی از مجاری و لوله‌های قاضلاب، دیوارهایی از استخوان‌های مردگان و علائم دخمه‌ها و مقبره‌های که در ناحیه زیرین شهر ساخته شده بود. (تصویر ۱۲) این عکس‌ها، توان رسانه جدید را برای نشر اطلاعات بصری در محدوده وسیعی از حقایق فیزیکی آشکار می‌ساخت.^{۳۴}

انبوه بی‌شمار عکس‌های درخشان نادار که بیشترشان هم پرتره‌اند میان سال‌های ۷۰-۱۸۵۴م/ ۸۷-۱۲۷۰ ه. ق گرفته شده‌اند. هم موضوع عکس‌ها و هم زندگی نادار - حتی اگر خودش هم هنرمند ارزنده‌ای نمی‌شد - ارزش نقل‌شدن دارند. اما پرتره‌هایش استثنایی‌اند. در سال ۱۸۵۶م/ ۷۳-۱۲۷۲ ه. ق در دعوی حقوقی با برادرش برای استفاده از امضای نادار، از فهم معنوی سوژه گفت: «همان فهم بی‌واسطه‌ای که آدم را به او نزدیک و کمک می‌کند تا ارزیابی‌اش کند، به دل‌مشغولی‌ها، عقاید و شخصیتش راه برد و آدم را قادر می‌کند که نه بازتولیدی محض و چیزی از رخدادهای هر روزه... بل شایسته همدلانه و به راستی قابل باور برنهد؛ پرتره‌ای آشنا و صمیمی را.» تخصصش «شخصیت» بود. آدم‌های خندان یا اخمو، گوشه چشمی هم به دوربین دارند؛ درست مثل همان نگاهی که در میانه گفت‌وگو با اشخاص برجسته، ممکن بود داشته باشند. حتی وقتی هم که آشکارا ژست گرفته‌اند، توانسته‌اند خود را فرهیخته و هوشمند نشان دهند. انگار که توجه‌شان به دوربین درست در همان لحظه یا دمی پیش‌تر جلب شده است... پارسی‌های سرشناس نادار آدم‌های فعالی به نظر می‌رسند که دست بر قضا ثابت شده‌اند... پرتره‌های نادار از منش هوشمندانه‌ای آکنده است که پیش‌تر به هیچ رو در عکاسی وجود نداشت... قدرت خود رسانه عکاسی و ابزار هم در پیدایش چنین سبکی چندان بی‌تأثیر نبود. حوالی دهه شصت میلادی حساسیت شیشه‌های کلودیون‌تر قدرت کافی برای ثبت برق یا اخم نگاهی را یافته بود. همین وقت نادار از کسانی عکس می‌گرفت که به قدرت و غرابتشان غره بودند... آدم‌هایی که بعید می‌نمود که سبک رایج پرتره‌نگاری را بیسندند... نادار در حقیقت به سنت تثبیت‌شده اواخر سده هجدهم که پس از آن نیز بی‌وقفه تکرار شده، تعلق دارد...



حتی پس از روزگار انقلاب هم این سنت در بسیاری از پرتره‌های انگر چه طراحی و چه نقاشی ادامه یافت.

دوره کاری انگر و نادار هم‌زمان بود. عکاسان درست مثل پیش‌کسوتانشان، هنرمندان محفل روشنفکران بودند و همان شیوه‌های چهره‌نگاری را به کار می‌بستند که جامعه روشنفکری فرانسه بدان مانوس بود. ابتکارشان، افزودن منش شخصی شخصیت به سرزندگی بود، سوزهای نادار همواره فرهیخته می‌نمایند اما خودشان را چون موجوداتی تابع خلق و حال شخص هم نشان می‌دهند آدم‌هایی که هم نازک‌نارنجی و گنده‌دماغ و هم خوش‌رو و خوش‌مشربند... نادار به اتنورالیسمی شخصی رسید که از اواخر سده هجده وجه مشخصه چهره‌نگاری فرانسه بود.^{۳۵}

جنبه‌های مختلف عکاسی از اوایل قرن ۱۹ رو به توسعه گذاشت. از نخستین عکاسانی که عکسبرداری را با خلاقیت به کار بستند نادار بود که به وضع و ژست اشخاصی که از آن‌ها عکاسی می‌کرد اهمیت بسیاری می‌داد، زیرا می‌خواست بدین وسیله سجایای صاحب عکس را در عکس نمایان سازد.^{۳۶}

در فرآیند داگروتیپ، صفحه‌ای مسین آغشته به ماده حساس در مقابل نور قرار می‌گرفت و از آن متأثر می‌شد و تصویری مثبت روی صفحه پدید می‌آمد. عیب صفحات داگروتیپ آن بود که قابل تکثیر نبودند. عکس واقعی، زمانی پدید آمد که از یک صفحه حساس به نور پس از عکاسی، نگاتیوی حاصل می‌آمد که از نظر تئوریک می‌توانست از روی آن کپی‌های بی‌شمار پدید آورد. اول بار در فرانسه هیپولیت پایار^{۳۷} و در انگلستان فاکس تالبوت^{۳۸} این شیوه را ابداع کردند و این طریقه جدید در همان زمان داگروتیپ نام گرفت. نادار با اصلاحات و ظرافت‌هایی که در فرآیند عکاسی دارای نگاتیو از خود بروز داد موفقیت این شیوه در دهه ۱۸۵۰ میلادی را تضمین کرد اما مردم در اوایل قرن نوزدهم هم‌چنان داگروتیپ برمی‌داشتند.^{۳۹}

مرگ، جزئی از زندگی روزمره قرن نوزده بود و امروز برای غربی‌ها تصور آن هم مشکل است... عکس گرفتن از مرده [برای داشتن یادگاری از او] از نقاشی [ارزان‌تر بود... در این راه، مرگ نه تنها معنای استعاره‌ای و مجازی از درک قدرت عکاسی، بلکه یکی از موضوع‌های ویژه این رسانه نیز شد.

نادار در ۱۸۶۱م/ ۷۸-۱۲۷۷ ه. ق با عکس‌هایی که از سردابه‌های قدیمی پاریس گرفت این پیروزی [یعنی ثبت اولین تصاویر مرگ از طریق عکاسی] را از آن خود کرد. او با استفاده از نور مصنوعی، نه تنها چیزهایی را آشکار کرد که تا قبل از آن نمی‌شد آن‌ها را نشان داد، بلکه قلمروی مرگ را نیز به حیطه موضوع‌های عکاسی اضافه کرد.^{۴۰}

دوربین تنها می‌تواند درجاتی از نور را ثبت کند. نادار در ۱۸۵۲م/ ۶۹-۱۲۶۸ ه. ق نوشت: «درک و احساس نور، ضروری‌ترین عامل برای عکاس است. این‌که نور چگونه روی صورت می‌نشیند تا بعداً هنرمند آن را به انقیاد خود درآورد... [مهم است]؛ آلفونس لامارتین^{۴۱} شاعر فرانسوی نیز این مسئله را خوب بیان کرده بود: «عکاسی چیزی فراتر از هنر است، پدیده‌ای خورشیدی است که هنرمند با خورشید مشارکت دارد.»^{۴۲}

نادار با بالون بالا رفت، در فاضلاب‌ها فرو رفت تا از پاریس از بالا و پایین عکاسی کند. اما مهم‌ترین تصاویر او عکس‌هایی از نویسندگان، هنرمندان و موسیقی‌دان‌هایی است که در زمره دوستان او بودند و احتمالاً برترین این تصاویر، تصویر همسر وی است. در این عکس، حالت متفکرانه و نگاهی محکم و ثابت، با نمودی از تنش عصبی

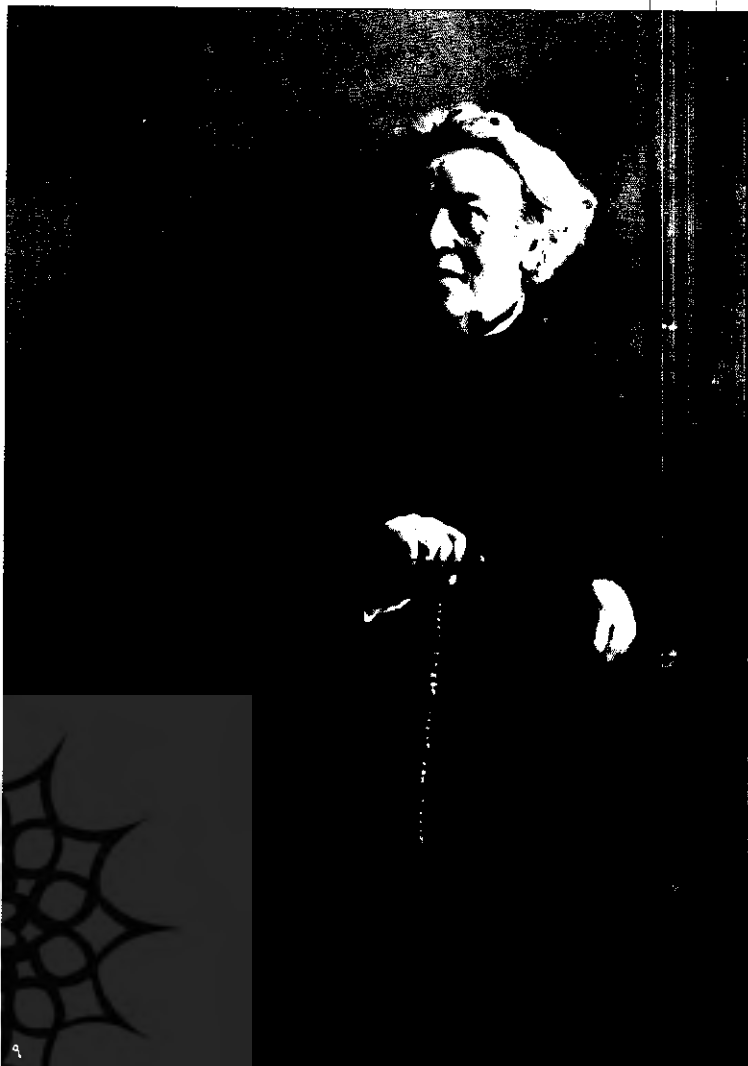
محاصره داشتند، نشان می‌داد؛ چیزی که از روی زمین قابل دیدن نبود. عکس‌های نادار فرانسویان را در وضعیتی قرار داد که توانستند سریعاً واکنش نشان دهند. با این حال، فرماندهان کوتاه‌بین ارتش فرانسه قادر نبودند ارزش اینکار نادار را درک کرده اهمیت آن را دریابند. ارزش عکس‌های هوایی در بحبوحه نبرد تا مدت‌ها پنهان ماند تا دوباره در جنگ دوم جهانی از سوی عکاسی به نام استاین به کار گرفته شد.^{۲۸}

نادر که طرفدار متعصب هوانوردی بود اول بار به فکر گرفتن عکس هوایی از زمین افتاد. جوازی در ۱۸۵۸م/۷۵-۱۲۷۴ ه. ق. گرفت و پس از چند آزمایش بی‌نتیجه توسط بالون ثابتی از ۸۰ متری اولین عکس از زمین را گرفت که سه خانه از دهکده‌ای (Petit-Bicetre) را در حوالی پاریس (تصویر ۱) نشان می‌دهد.^{۲۹} هادی شفافیه محلی را که نادار برای اولین بار بالون خویش را از آن‌جا به هوا پرواز داد در نزدیکی محل موزه عکاسی شهر بی‌اور می‌داند، که اکنون مکان بدون درختی است و می‌نویسد دولت فرانسه قرار است آن‌جا را به موزه عکاسی مزبور واگذار کند.^{۳۰}

اولین استودیوی نادار در خیابان سن‌لازار ۱۸۵۴م/۷۱-۱۲۷۰ ه. ق. و دومی که مجهزتر بود در بلوار کاپوسین ۱۸۶۰م/۷۷-۱۲۷۶ ه. ق. گشوده شد. «نادر در میان گیاهان استوایی، فواره‌ها و مرغان خواننده [فون‌های مختلف و سایر تمهیدات نادار] مردمان پاریس را می‌پذیرفت. مشتری را به حال خود می‌گذاشت و تا وقتی که وضع خاصی به خود نمی‌گرفت، عکس بر نمی‌داشت. او هیچ‌گاه عکس‌ها را رتوش نمی‌کرد... این «تی‌سین»^{۳۱} عکاسی - عنوانی که به او داده بودند - اظهار می‌کرد:

«چهره عبارت است از دقیق‌ترین، پهادارترین و ظریف‌ترین کاربرد عکاسی.» این شخص عکاسان ماهر دیگر را از نظر دور می‌سازد.^{۳۲}

نادر بین سال‌های ۱۸۸۰-۹۰م/۱۳۰۷-۱۳۹۷ ه. ق. سفری به بخارا نیز کرد و حداقل ۴ عکس از او در این خصوص مشاهده و گردآوری شده است.^{۳۳} شهریار عدل نیز در گفت‌وگو با نویسنده این مقاله سفر نادار به این منطقه را تأیید کرد و اظهار داشت نمایشگاهی تحت عنوان عکس‌های نادار از ماوراءالنهر در پاریس در سالیان اخیر برگزار شده است.

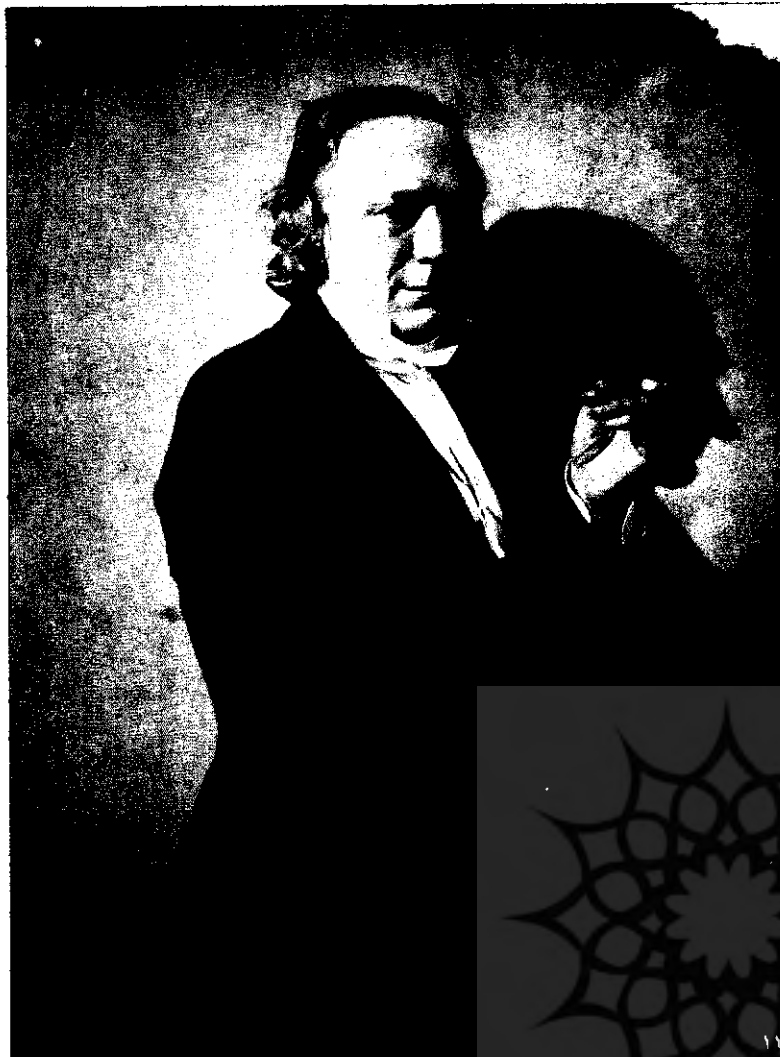


فرو خورده (دست چنگ‌شده سوزه) ترکیب و پرتره گیرایی پدید آورده است.^{۳۴} نادار کار خویش را به عنوان یک کاریکاتورریست شروع کرد. روی ریخت فیزیکی شخصیت‌های مورد نظر تأکید داشت. او این تجربه را به روشنی، گرچه به شیوه‌ای کاملاً متفاوت، در عکاسی پرتره به کار بست. نادار گفت: «عکاسی کشفی حیرت‌انگیز است. علمی که برترین ذکاوت‌ها را جذب می‌کند، هنری که افکار بسیار نافذ را برمی‌انگیزد و هنری است که یک کودک نیز می‌تواند بدان بپردازد. تئوری عکاسی می‌تواند در یک ساعت و تکنیک‌های ابتدایی آن در یک روز آموزش داده شود. آن‌چه را نمی‌توان آموزش داد این است که چگونه می‌توان به شخصیت کسی که مقابل دوربین نشسته پی برد. برای خلق پرتره‌ای که بسیار به درونیات شخص نزدیک باشد - نه یک پرتره معمولی و پیش‌پاافتاده - علاوه بر شانس، باید بتوانید با کسی که در مقابل دوربین است ارتباط برقرار کنید و افکار و شخصیت واقعی او را حدس بزنید.»^{۳۵}

برخی تاریخ هنر نگاران، عکس‌های نادار را در برزخ میان هنر و مصرف‌گرایی قرار می‌دهند.^{۳۶} و عکس‌های هوایی نادار و برخی پرتره‌های او را که در تناسب با استطاعت مشتری‌ها بود، دلیل این مدعا ذکر می‌کنند. هرچند رقابت با کارت ویزیت‌های دیزدری^{۳۷} نیز می‌تواند دلیل دیگر این گفته قلمداد شود.

تجار از همه سو به عکاسی حرفه‌ای هجوم بردند و بعدها هنگامی که نقاشان بی‌استعداد به عنوان تلافی بر سر عکاسی ریخته و با حضور خود در همه‌جا، به روش نگارنویها دست زدند، اضمحلالی در ذائقه مردم به‌وجود آمد. این زمانی بود که آلبوم‌های عکس مد شده بود.^{۳۸}

با عکس‌های هوایی نادار تغییر دراماتیک در پیشش پذیرفته‌شده پرسپکتیو در بازنمایی اشیاء قابل دیدن شد. در تصاویر هوایی او «بدون پرسپکتیو، عکاس عملاً روی ابعاد زمان فوکوس می‌کرد». از آن پس تاکنون، منتقدین هنری به پرسپکتیو شعبده‌بازگونه نقاشی در مقابل تصاویر واقع‌گرایانه/ طبیعت‌گرایانه ارجاع می‌دهند. اگر از عکاسی قبلاً برای اهداف سودجویانه و تبلیغ استفاده شده بود، اما نادار عکاسی را به زور به عنوان سلاح جنگی موثری به کار بست. احتمالاً منصفانه است اگر گفته شود که عکس‌های هوایی نادار باعث نجات پایتخت فرانسوی‌ها از اشغال آن توسط سربازان پروسی در ۱۸۷۱م/ ۱۲۷۸ ه. ق. شد. این عکس‌ها موقعیت دقیق سربازان ارتش پروس که پاریس را در



روزنبوم تصریح می‌کند یکی از شاگردان نادار که از ۱۸۶۱م/۷۸-۱۲۷۷ه.ق در لیما پایتخت پرو به فعالیت پرداخت، اولین شخصی است که کارت ویزیت را در این بخش از آمریکای جنوبی تولید کرده است.^{۵۴}

آرون شارف که رساله دکترای خویش را در خصوص هنر و عکاسی^{۵۵} نگاشته است ضمن معرفی نادار به گوشه‌هایی از فعالیت‌های تاکنون ناشناخته این عکاس نابغه می‌پردازد:

«یکی از نخستین عکاسانی که به نورپردازی مصنوعی توجه نشان داد، نادار بود. او در استودیوی خود در بلوار کاپوسین یک باتری بنسن بزرگ و قابل حمل داشت و با این وسیله در ۱۸۶۰م/۷۷-۱۲۷۶ه.ق اهالی پاریس را با عکس‌هایی از گورستان زیرزمینی و کانال‌های فاضلاب شگفت‌زده می‌کرد. دومین دوست نادار، تأثیر غیرعادی نورهای مصنوعی قوی را بر سایه‌روشن عکس‌ها مورد بررسی قرار داد تا از آن‌ها برای تکمیل و تأیید کیفیتی که از پیش به صورت ویژگی کار او درآمده بود، بهره گیرد. در آثار او روشنایی سیمایی سرد و خشن ویژه عکس‌های نادار به چشم می‌خورد.»^{۵۶}

ژان ادهمار (Jean Adhemar) معتقد است که از اواسط دهه ۱۸۵۰، یعنی از زمانی که نادار و دومیه تحقیقات مشترکی را در زمینه نورپردازی مصنوعی شروع کردند، رابطه‌ای بین عکس‌های نادار و نقاشی‌های دومیه به وجود آمد. ادهمار یکی از چهره‌هایی را که دومیه از کاریه - بلوز (Carrier-Belleuse)، استاد رودن^{۵۷} کشیده بود با عکسی از نادار که در همان زمان از پیکرتراش مزبور گرفته شده بود مقایسه می‌کند: «سیمما و آرایش مو، سیبل و کراوات کاریه - بلوز در هر دو اثر مشابه است و اگر لازم باشد می‌توان کار بررسی را ادامه داد و تشابهات بیشتری کشف کرد.»^{۵۸}

مانه بی‌شک تعدادی از این عکس‌ها را دیده و از آزمایش‌های نادار با نور مصنوعی باخبر بود. حدود سال ۱۸۶۰ او با نقاشانی که از عکس استفاده می‌کردند، آشنا شد. یکی از حکاکی‌های مانه از تصویر بودلر^{۵۹} از روی عکسی که نادار در ۱۸۵۹ با نور مصنوعی از این شاعر گرفت کشیده شده است.^{۶۰}

خدمت عکاسی به کاریکاتوریست‌هایی چون نادار که هم با دوربین و هم با قلم کار می‌کردند بی‌حد و حصر بود... نادار برای طراحی‌های پراحساس کاریکاتورهای خود و همچنین برای تهیه لیتوگراف بزرگی که در ۱۸۵۴م/۲۱-۱۲۷۰ه.ق با عنوان «معبد خدایان نادار» از چهره ۲۷۰ تن از افراد سرشناس آن زمان ساخت، بی‌شک از عکس‌هایی که از این اشخاص گرفته بود، بهره جست. تعدادی از کاریکاتورهای نادار به شیوه لیتوگرافی، از جمله تصاویر گوستا دوره^{۶۱} و آدام میکیه‌ویچ، (Adam Michiewicz) نقاش و میهن‌پرست لهستانی، قربت فراوانی با عکس‌های او دارند. بسیاری از تک‌چهره‌هایی که او در قالب کاریکاتور طراحی می‌کرد چه از نظر ساختار سایه‌روشن‌ها و چه به لحاظ ضبط حالت‌های زودگذر چهره، بیشتر به عکس شباهت دارند تا به فرم‌های سنتی کاریکاتور.^{۶۲}

نخستین عکاسان از جمله نادار مشهور از دل گروه «نقاشان بی‌سر و سامان» (Bohemes) یا «اخورده» سربرآوردند.^{۶۳} همه می‌دانیم که مردم قبایل بدوی می‌ترسند که دوربین عکاسی بخشی از وجودشان را از آن‌ها بگیرد. نادار در خاطراتی که به سال ۱۹۰۰م/۱۸-۱۳۱۷ه.ق در پایان زندگی طولانی خود منتشر کرد، نقل می‌کند که بالزاک «هراسی مبهم» شبیه به همین را از گرفتن عکسش داشته است. به روایت نادار، توضیحی که برای این هراس می‌داده است این بوده که: «هر کسی از لحاظ طبیعی از مجموعه‌ای تصاویر شبح‌وار ساخته شده است که لایه‌لایه تا بی‌نهایت برهم قرار گرفته و در غشاهای بسیار نازک پیچیده شده است... انسان هرگز قادر نبوده است خلق کند، یعنی از یک تجلی، از یک چیز غیرمحسوس چیزی بسازد، یا از هیچ یک شی خلق کند. پس هر بار فرایند داگرتیپ به یکی از لایه‌های جسم دقیق می‌شود و بدین ترتیب بر آن چنگ می‌اندازد، آن را جدا می‌کند و به مصرف می‌رساند.» ظاهراً این نوع خاص ترس و لرز به بالزاک می‌بازد - نادار می‌پرسد:

«آیا ترس بالزاک از داگرتیپ واقعی بود یا ساختگی؟» واقعی بود... چرا که روش کار عکاسی تجسم به اصطلاح اصیل‌ترین جزء کار اوی نویسنده است...^{۶۴}

نادر عضو انجمن عکاسی فرانسه بود؛ طبیعی بود که عکاسان برای افزایش اعتبار و شهرت خود و عکاسی به طور کلی در چهارچوب یک سازمان به دفاع از منافع خود برخیزند. بسیاری از شخصیت‌های برجسته و بااستعداد آن زمان که برخی از آنان نقاشان و عکاسان هنرمندی به حساب می‌آمدند از اعضای انجمن عکاسی فرانسه بودند. برخی از اینان از جمله دلاکروا^{۶۵}



داده می‌شد. طی سال‌های ۱۸۵۵ و ۱۸۵۶ فهرست اعضای انجمن که در سال‌های بعد با سرعت خارق‌العاده‌ای افزایش یافت در بردارنده نام عکاسانی چون اوژن دوریو (رئیس انجمن)، نادار، بایار بلانکار - اورار^{۶۶} و نویسندگان و منتقدانی چون تئوفیل گوتیه^{۶۷} بود.^{۶۸}

بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اولیه انجمن جدید عکاسی صرف برگزاری نمایشگاه بزرگ عکس در ژوئن و ژوئیه ۱۸۵۵ و وضع مقررات شرکت در نمایشگاه گردید.^{۶۹}

در ۲۱ نوامبر ۱۸۵۶م/۲۳-۱۲۷۷ه.ق نادار در یک سخنرانی به اعضای انجمن یادآور شد که رشته عکاسی در نمایشگاه سال ۱۸۵۷م/۲۴-۱۲۷۳ه.ق سالن گنجانده نشده بود و دوریو خاطرنشان ساخت که این نخستین بار نبود که موقعیت عکاسی در سالن مطرح می‌شد؛ از جمله در ۱۸۵۰م/

۶۷-۱۲۶۶ه.ق گوستاو لوگری^{۷۰} عضو دیگر انجمن ۹ عکس شامل تک‌چهره، منظره و نسخه آثار نقاشی برای هیأت داوران نمایشگاه فرستاده بود... سرانجام آن‌ها در شمار فهرست جنبی نمایشگاه و همراه آثار لیتوگرافی به نمایش گذاشته شدند... در ۱۸۵۷م/۲۴-۱۲۷۳ه.ق نمایشگاه عکاسی برخلاف امیدواری اعضای انجمن در قصر شانزله‌لیزه برگزار نشد. این نمایشگاه در گالری‌های بزرگ ساختمان شماره ۳۵ در بلوار کاپوسین ترتیب یافت که بعدها به صورت استودیوی نادار درآمد و نخستین نمایشگاه مستقل نقاشان امپرسیونیست در ۱۸۷۴م/۲۹-۱۲۹۱ه.ق در آن عرضه شد...^{۷۱}

بسیاری از عکس‌های نمایشگاه توسط هنرمندانی تهیه شده بود که با سایر رسانه‌ها نیز کار می‌کردند... کارژه^{۷۲} نادار، کاریکاتورست... لوگری^{۷۳} و بلوک نقاش بودند.^(۷۴)

34- Rosenblume, Naomi (1989), *A World History of Photography*, Abbeville Press, New York, P.284

35- جفری بان (1978)، تاریخ مختصر عکاسی، ترجمه نیلوفر مترغف عکسنامه، ش 6 خرداد و تیر 1378، صص 24-26

36- مصاحب 1374، ص 1752

37- Hippolyte Bayard (1801 - 1887) عکاس فرانسوی

38- Fox Talbot, 1800- 1877 مبدع عکاسی روی نگاتیو کاغذی، اهل انگلستان.

39- Mirzoeff, Nicholas (1999), *An Introduction to Visual Culture*, Routledge, London, P.P.68-67

40- Ibid, P.67

41- Alphonse Lamartin (1790-1869) رمان نویس و شاعر فرانسوی

42- Honour, Hugh and Fleming, John (1999), *A World History of Art*, Laurence King, London, P.888

43- Ibid, P.689

44- Ibid

45- Ruhrberg, Karl and others (1998), *Art of the 20 th Century*, Volume 1 and 2, Taschen Verlag Ombt, Koln, P.621

46- Andre Adolph Eugene Disderi (1819-1890) عکاس فرانسوی که عکس‌هایی در قطع کارت پست را پس از 1853 باب کرد.

47- Ibid

48- Ibid, P.659

49- کیم، ژان (1363)، تاریخ عکاسی، ترجمه حسین گل‌گلاد، چاپ اول، تهران، ناشر دکتر داریوش گل‌گلاد، ص 53

50- شفاقیه، هادی (1379)، خاطرات هادی شفاقیه، دفتر هنر (آمریکا، نیوجرسی)، سال هفتم، شماره 12، نوروز 1379، ص 1639

51- Tizian-Tiziano Vecellio (1480-1578) نقاش بزرگ اهل ونیز

52- 38 (1363)، ص 38

53- Naumkin, Vitaly Caught in Time: Great Photographic Archives Bukhara, Gamet Pub, London, 1993

این اطلاعات را از مجله کلب که به دست آوردیم، مدعی می‌شمارد کلب، شمارهای 92-99، آذر 1376، مقاله معرفی کلب، ص 755

54- Rosenblume, Naomi (1989), P.344.

55- شارف، آرون (1371) (نگارنده این مقاله متن فارسی کتاب را قبل از چاپ ویرایش و بازنویس کرد و با نسخه انگلیسی مطابقت داد).

56- شارف، آرون (1371)، ص 62

57- August Rodin (1840-1917) مجسمه‌ساز فرانسوی

58- پیشین، ص 69

59- Charles Baudelaire (1821-1867) شاعر فرانسوی

60- پیشین، ص 72

61- Gustave Dore (1832-1883) کاریکاتوریست فرانسوی

62- پیشین، ص 62

63- باسینی روزبه (1374)، هنر و جامعه، ترجمه غفار حسینی، چاپ اول، تهران، توس، ص 202

64- سوتانگ، سوزان (1375)، درباره عکاسی، ترجمه فرزانه طاهری، مجله عکس، سال دهم، شماره 14، آبان 1375، ص 39

65- Eugene Delacroix (1798-1863) نقاش فرانسوی

66- Louis Desiree Blanquart-Evard (1802-1872) عکاس فرانسوی مبدع چاپ آلبومینه

67- Theophile Gautier (1811-72) منتقد نویسنده و شاعر فرانسوی

68- شارف، (1371)، ص 153

69- پیشین، ص 154

70- Gustave Le Gray (1820-1862) عکاس و نقاش فرانسوی، مبدع روشن فرایند کاغذ مومی

71- پیشین

72- Etienne Carjat (1820-1906) عکاس، کاریکاتوریست، نویسنده و ناشر فرانسوی

73- پیشین، ص 155

74- Sarah Bernhardt (1844-1923) بازیگر تئاتر اهل فرانسه

75- ادواردز، اونس (1381)، تصاویر با نفوذ، ترجمه نسیم مهرتیار، مجله عکس، سال شانزدهم، بهمن 1381، ص 54

76- شارف، آرون (1371)، ص 167

77- Rubin, James H (2001), P.40

78- Ibid, PP. 41 and 69

79- Ibid, P.90

80- گو، براین و دیگران (1379)، ص 88

شرح تصاویر:
تصویر ابتدای مقاله: خودنگاره نادار، حدود 1859، عکاس: نادار، ص 7، فیلون

1- عکس هوایی (پاریس)، 1858، عکاس: نادار، ص 194، شارف

2- گورستان زیرزمینی (پاریس)، حدود 1860، عکاس: نادار، ص 69، شارف

3- مصاحبه نادار با شیمی‌دان شورول در جشن تولد صد سالگی او (پاریس)، 1886، عکاس: پسر نادار، ص 125، فیلون

4- نادار در حال ارتقای عکاسی به سطح هنری، 1862، لیتوگراف اثر دومیه، ص 198، شارف

5- دومیه (پاریس)، 1856، عکاس: نادار، ص 61، فیلون

6- فر ویکتور هوگو (پاریس)، 1885، عکاس: نادار، ص 122، فیلون

7- الکساندر دوما (پاریس)، حدود 1885، عکاس: نادار، ص 25، فیلون

8- گیزو (پاریس)، حدود 1857، عکاس: نادار، ص 72، فیلون

9- کورو (پاریس)، 1856، عکاس: نادار، ص 75، فیلون

10- ژرژ ساند (پاریس)، 1864، عکاس: نادار، ص 105، فیلون

11- شارل فیلون (پاریس)، 1853، عکاس: نادار، پرتره با نور مصنوعی، ص 22، فیلون

12- مردی با فرعون که استخوان‌های مرده‌ها را جابجا می‌کند

13- کارلوتا گریزی، پاریس، 1865

پی‌نوشت‌ها:

1- Strobel, Leisl & Zakia, Richard (1993), *The Focal Encyclopedia of Photography*, Third Edition, Focal Press, Boston and London, P.503

2- Pantheon Nadar (مبدع مشاهده)

3- مصاحب، محمود (1374)، *دایره‌المعارف فارسی*، جلد دوم، بخش دوم، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ص 1752

4- Strobel (1993), P.503

5- Ibid

6- گو، براین و دیگران (1379)، *عکاسان بزرگ جهان*، ترجمه پیروز سیار، چاپ اول، تهران، نشر نی، ص 85

7- Strobel (1993), P.503

8- Ibid

9- مصاحب (1374)، ص 2958

10- استاین، دانا (1368)، *سرافاز عکاسی نرانیان*، ترجمه ابراهیم هاشمی، چاپ اول، تهران، اسپرکس، ص 35

11- منین، محمد (1360)، *فرهنگ فارسی*، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ص 2088

12- Honore Daumier (1808-79) یکی از معروف‌ترین کاریکاتوریست‌های قرن 19 فرانسه

13- مهاجر، فرانز (1372)، نقاشی و اختراع عکاسی، مجله عکس، سال هفتم، ش 80، ص 24

14- The Camera (1976), By the Editors of Time -Life Books, Time Life Books, New York, P.174

15- Ibid

16- Francois Guizot (1781-1874) سیاستمدار و تاریخ‌دان فرانسوی

17- Jean- Baptiste-Camille Corrot (1776-1875) نقاش منظره معروف فرانسوی

18- Ibid, P.175

19- Beaton, Cecil and Buckland, Gail (1975), *The Magic Image, The Genius of Photography From 1839 to the Present Day*, Weidenfeld and Nicolson, London, P.18

20- Rubin, James H (2001), Nadar, Phaidon Press, London, P.8

21- Beaton and Buckland, 1975, P.68

22- George Sand (1804-76) مطرح‌ترین رمان‌نویس زن فرانسه

23- Wilkins, David and others (1994), *Art Past, Art Present*, Second Edition, Harry N. Abrams, New York, P.442

24- جنسن، ا. و. (1380)، *عکاسی قرن بیستم*، ترجمه حسن نیر، چاپ اول، تهران، فرایند، ص 14

25- Beaton and Buckland, 1975, P.68

26- Rubin, James H (2001), P.128

27- Beaton and Buckland, 1975, P.66

28- Ibid

29- Edouard Manet (1832 - 83) نقاش معروف فرانسوی

30- Jean - Dominique Ingres (1780-1867) نقاش معروف فرانسوی

31- Ibid

32- شارف، آرون (1371)، هنر و عکاسی، ترجمه حسن سیراج زاهدی، چاپ اول، تهران، انجمن سینمای جوان ایران، ص 55

33- پیشین



نادر، ضمن ثبت تصویری از سارا برنار³ هنرپیشه برجسته تئاتر (تصویر 13) به موضوعی بی برد که دیگر عکاسان از ابتدای کارشان بدان پی نبرده بودند: دوربین فقط بعضی‌ها را دوست دارد، اما میان این افراد تنها برخی هستند که می‌دانند چطور به این دوست داشتن پاسخ مثبت دهند. به نظر می‌رسد برنار... و دیگر افراد برجسته‌ای که آنان را به عنوان یک «شمالیل» در نظر می‌گیریم با برخورداری از چنین خصوصیتی متولد شده باشند. آن‌ها به طور فطری می‌دانند که می‌توانند از طریق عدسی یک دوربین عکاسی، شخصیتی خاص را به نمایش بگذارند.³⁴

در 25 مه 1862/1278 ه. ق. کاریکاتوری در روزنامه کارژه به چاپ می‌رسد که نادار را تشبیه می‌دهد که سوار بر بالن در حال عکاسی از پاریس است. بالای ساختمان‌های شهر تابلوهایی است که روی آن کلمه عکاسی به چشم می‌خورد. زیرنویس این کاریکاتور «نادر عکاسی را به اوج هنر می‌رساند» اشاره به عکاسی با بالون است که نادار از مدتی پیش به آن مبادرت می‌ورزید.³⁵ (تصویر شماره 4)

حوالی سال 1855 نادار به عکاسی بدن برهنه نیز تمایل نشان داد. البته تمایل وی به بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناختی این مقوله بود. این تصاویر فاقد جنبه‌های پورنو گرافیک هستند.³⁶ در آن‌ها دوباره همان فون ساده خاکستری در پشت سوژه به چشم می‌خورد.³⁷ عکس‌هایی که نادار از یک مرد برهنه (بیمار دوجنسیتی) گرفته، در مقوله عکاسی پزشکی می‌گنجد. نادار این مجموعه 9 عکسی را حوالی سال 1860 و به سفارش یک پزشک گرفت و اولین استفاده از عکاسی در پزشکی محسوب می‌شوند.³⁸

شهرت نادار در اواسط سده نوزدهم در پاریس به میزانی بود که ویکتور هوگو بر روی پاکت مکاتباتش با نادار، تنها می‌نوشت «Nadar» و پاکت نامه به دست نادار می‌رسید. در 1900/1817-13 ه. ق. عکس‌های نادار در نمایشگاه جهانی پاریس به معرض تماشا گذاشته شد و مقالاتی درباره دیگر فعالیت‌های متعدد او آرایه گردید. نادار نخستین دهه قرن بیستم را درک کرد، اما زمانه او دیگر به سر آمده بود. نادار و تمامی شخصیت‌های مشهوری که از آن‌ها عکس گرفت، به تمامی به قرن نوزدهم تعلق داشتند.³⁹

نادر در سال 1910/1328 ه. ق. چشم از جهان فرو بست.